

# شتر

این روزها دریاچه مهارلو خشکیده و دیگر خبری از رنگ سرخ تالاب و انبوه قلمینگوها نیست. / عکس: سهیلا ستایش، آنا



### پشت تاریخ

## نازینا ما به ناز تو جوانی داده‌ایم



غلامرضا امامی

دوست گرامی: دی‌ماه سال‌روز تأسیس کانون است؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. از من خواسته‌ای که از کانون بگویم. از گذشته و حال. کانون به سال ۱۳۴۴ بیش از نیم‌قرن پیش با تأسیس کتابخانه‌ای در مدرسه‌ای در جنوب شهر تهران پا گرفت. سن آژرمه ۱۳۵۰ به دعوت دوستم زنده‌یاد سیروس طاهباز و به مشورت زنده‌یادان بانو سیمین دانشور و دکتر حمید عنایت به جمع یاران کانون پیوستم. پیش از آن می‌پنداشتم که سازمان انتشارات کانون لابد بسیار عرضی و طویل است. صبح روزی در آژرمه به خیابان ایرانشهر،

خیابان ناصر رفتم و سراغ انتشارات کانون را گرفتم. به طبقه دوم هدایتم کردند. به اتاقی که در آن اتاق دو میز بود. در اتاق تصویر هیچ مقام رسمی و غیررسمی نبود. دوستم سیروس طاهباز در پشت میزی نشسته بود و میز دیگری خالی بود. دو عکس از علامه دهخدا و نیما یوشیج بالای سرش بود. به مهربانی لیخندی زد و گفت این اتاق، سازمان انتشارات کانون است و این میز من است و آن میز، میز مشترک ت م و آ. آزاد. خشمگم زد. مگر می‌شود در یک اتاق و این همه کار! طبقات دیگر به بخش‌های دیگر، امور سینمایی، پژوهش، گرافیک، کتابخانه‌ها و فستیوال اختصاص داشت. خواهش کرد که از فردا به آنجا بروم و یاری‌اش دهم. من آن روزها در کار نشر کتاب‌های موج و پندار بودم و کتابی هم به ترجمه سیروس طاهباز نشر داده بودم با نام «شعر مقاومت در فلسطین اشغالی» که بعدها به نام «درخت زیتون» نشر یافت و بسیار کتاب‌ها از زنده‌یادان سیمین دانشور، غزاله علیزاده، دکتر حمید عنایت، احمد شاملو، دکتر رضا برهانی، مهدی سمسار، م.ع سبیلانو و دکتر جواد مجابی و نیازی به کاری تازه نداشتم. اما نتوانستم به دعوت صمیمانه او لیبیک نگویم. روز بعد در آن ساختمان حضور یافتم. در آن اتاق کوچک، کار شروع شد، با علی گفتیم و عشق آغاز شد.

پس از مدتی به ساختمانی بزرگ‌تر در خیابان جم نقل مکان کردیم. این بار دو اتاق نصیب سازمان انتشارات کانون شد. اتاقی برای طاهباز که پس از آن میزی دیگر بر آن افزوده شد برای زنده‌یاد محمد قاضی.

اتاقی بزرگ‌تر برای م. آزاد و من، با سه میز، میزی مشترک برای زنده‌یادان «حسن پستا» و «منوچهر صفاء». طبقات دیگر اختصاص داشت به امور سینمایی به مدیریت ابراهیم فروزش، گرافیک به مدیریت فرشید متقالی و همکاریان چون ابراهیم حقیقی، مصطفی اوجی، محمدرضا عدنانی، نقاشی به مدیریت پرویز کلاتنری، موسیقی به مدیریت شیدا قراچه‌دانی و اسفندیار منفردزاده. نیم‌طبقه‌ای هم در کار پژوهش بود به مدیریت رسول نفیسی. صفحه و نوار به مدیریت احمدرضا احمدی. اتاق روبه‌روی ما ویژه فستیوال فیلم بود به مدیریت پرویز دوابی. در ساختمانی دیگر مسئول تئاتر اردوان مفید بود و امور کتابخانه‌ها بدین‌گونه بود: کتابخانه‌های تهران به مدیریت علی میزایی، شهرستان‌ها نیو نایت، روستاها داریوش حقیقی‌طلب، آموزش به مدیریت شاپور منوچهری و فیلم‌ستریپ خسرو شهریار، روز به روز کانون کسترش می‌یافت و مرغک کانون به پرواز در آسمان ایران و جهان ادامه می‌داد. کتابخانه‌ها فقط در کار کتاب نبودند. کودکان به رایگان، بِلِه به رایگان، به همت کتابداران

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ = ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ = ۱۰ ژانویه ۲۰۲۲
سال نوددهم • شماره ۴۱۹۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۲۹
اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

fardashargh@gmail.com

### روزنامه‌فروا

**نور نوشت** 



### پشت تاریخ

## نازینا ما به ناز تو جوانی داده‌ایم

شریف و مریبان عزیز، فیلم می‌دیدند و می‌ساختند، تئاتر و نقاشی و موسیقی می‌آموختند. از مریبان نقاشی که آن زمان، دانشجویی بود، محمدمعلی بنی‌اسدی را به یاد دارم. از مریبان موسیقی حسین علیزاده و مجید درخشانی را. کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی بود، به‌جد می‌گویم در هیچ‌کجای دنیا چنین مراکز فرهنگی رایگان برای کودکان و نوجوانان وجود نداشت و ندارد. در کجای دنیا، برای روستانشینان، در جاده‌های

صعب‌العبور با قاطر، صندوق کتاب می‌بردند یا کوچکی بودی، اگر در کانون می‌ماندی می‌پوسیدی، شکر خدا و این شعر را برایش خواندم: هیچ صیادی/ در جوی اندیشه‌ها و مسلک‌ها بیرون از کانون بود. در هیچ اتاق کانون تصویر مقامی رسمی به چشم نمی‌خورد و همه در کار ساختن بودند.

■ ■ ■

از گذشته یاد کردم... بگذریم، پس از انقلاب، همه کوشش این بود که کانون فرورخته شود، مرغک کانون بخواند در شب‌های سرد زمستان و روزهای گرم تابستان. کانون با فیلم‌هایش خوش درخشیده بود. با کسانی چون عباس کیارستمی، مرتضی ممیز، بهرام بیضایی ... با فیلم‌ها و کتاب‌هایش جایزه‌های جهانی برده بود. کیارستمی، مدرسه سینمایی نرفته بود اما کانون برایش شرایطی فراهم آورد که فیلم بسازد. در آغاز انقلاب حساب‌های مالی کانون بسته شد و حقوق ماهانه کانونیان پرداخت نشد. از سر مهر دیرین زنده‌یاد مهندس بازرگان، نخست‌وزیر وقت به حقیر و آشنایان‌اش، وی دستور داد که مهندس صباغیان در اسرع وقت به این کار رسیدگی کند. کانونیان در جلسه‌ای در کتابخانه پارک لاله حضور یافتند و اکثریت قریب به اتفاق برای مکرری برای مذاکره با مهندس صباغیان که معاونت نخست‌وزیر در امور اجرایی بود، برگزیدند.

در اواخر بهمن به نخست‌وزیری رفتم و با استقبال وی روبه‌رو شدم. نتیجه این شد که کانون بماند تنها با اعلام اسامی کلیه کارکنان به مراکز اسناد ساواک منحل، اگر کسی صالحه سو،استفاده مالی صورت گرفته باشد به خدمتش خاتمه داده شود. حقوق‌ها برقرار شد و همه خرسند به کار ادامه دادند. نخستین مدیر کانون دکتر رضا فیض بود، دانش‌وری فزائنه و مهربان که کار کانون را ستود و گر‌ها را آگشود. وقتی اسامی از مرکز اسناد ساواک برگشت چند اسم به چشم خورد که دیگر در کانون نبودند اما اقول کانون پس از مدیریت فیض آغاز شد.

چند نفر ناهموار، چند نفر ناهشیار، مدیریت کانون را به عامی به پارسی‌ای و باکدلی آن پیر دیر، خالق «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» آگاهان. وی در زادگاهش یزد آرمید و به خاک سپرده شد، هرچند سنگ مزارش شکسته شده و سال‌هاست که بناسنت ترمیم شود. چند سال پیش با گروهی از دوستان به مزارش رفیقیم و به احترام و یادش دسته کلی نهادیم. اما اخیرا دوستی خبر غربیی در سایت کتابک برابیم فرستاده است:

مدیرعامل کانون به یزد می‌رود و از حضور بر مزار مهدی آذریندی امتناع می‌کند؟!

به کجای این شب تیره بیاویزم / قبای ژنده خود را؟
بگذروم، سخن کوتاه کنم؛
غم این خفته چند/ خواب در چشم ترم می‌شکند.
سخن و درد دل به درازا کشید. یک سینه سخن دارم... اما دوست من، خانم‌ها و آقایان:

کانون می‌ماند. مانده است و خواهد ماند. / حکم ازلی این است: مرغک کانون: رازدورز مبارک. تو بمان. تو بخوان.

تلفن: ۸۸۹۳۶۲۰ • نامبر: ۸۸۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

### آکادمی

# فقط نودوهشت درصد!

جدیدتر از امروز بیابند، در سیطره اندیشه‌ای که بوتویابی در گذشته دارد چه روشنی پیدا خواهد کرد؟ معلوم نیست بدون وجود چنین چراغی فرا راه آینده چه نوع سلامتی برای آن خطه و چه الگویی برای سایر مناطق فراهم خواهد شد؟ ای کاش داستان به همین‌جا ختم می‌شد، اما هنوز همه از بهت تفاهم‌نامه دانشگاه علوم پزشکی با امام‌زاده عینعلی و زینعلی خارج نشده بودند که اعلام شد یکی از معروف‌ترین سردمداران شبه‌علم در کار پزشکی که مدرک پزشکی هم ندارد و سال‌ها پیش می‌باید به‌واسطه مداخله غیرمجاز در کار پزشکی مورد پیگردار قرار می‌گرفت، به زعامت عالی درمانگاه سنتی این امام‌زاده برگزیده شده است. دستور و نظر بسیاری از علمای اسلام را هم که گفتند دامن اسلام را به طب اسلامی که وجود خارجی ندارد نیالایید وقعی ننهاندن، یعنی رئیس رئیس ادارهای که باید بر کار سلامت و دخالت‌های غیرمجاز نظارت کند، پیشاپیش با شورتین این تخللفات تفاهم‌نامه امضا کرده و عقد اخوت بسته است. واقعا یک یادداشت در هفته توان این‌همه سوزه را که از درودیوار می‌ریزد ندارد. باید تقاضا کرد اگر نه برای سلامت عمومی، اگر نه برای آسایش مسئولان محترم، حداقل به جهت ظرفیت این ستون هفتگی هم که شده مسئولان محترم از تولید سوزه‌های جدید خودداری بفرمایند. باشد که تا انتشار این یاداشت داستان عجیب‌وغریب دیگری رخ ندهد.

### دغدغه‌های یک آموزگار

## فرهنگیان معترض را پشتیبانی کنیم



محمدرضا نیک‌ب‌تا

وایسین دور از اعتراض‌های صنفی فرهنگیان در بیش از صد شهر کشور برقرار شد. ریشه این اعتراض‌ها به موضع دولت تازه در اجرای لایحه رتبه‌بندی معلمان و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان برمی‌گردد. از نخستین موضع‌گیری‌های رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت کنونی این بود که لایحه رتبه‌بندی شیطنت دولت پیش در ماه‌های وایسین خود آن هم برای سنگ‌اندازی جلوی پای ما بود! مشخص نیست که این سخن تا چه اندازه درست باشد! اما لایحه رتبه‌بندی و به ویژه اجرای بخش‌های مالی آن، از خواسته‌های یک‌دهه‌ای فرهنگیان است و اجرانشدن یا ناقصی اجرانشدنش بی‌اعتنایی به خواست میلیونی آنان و البته شعارهای رئیس دولت کنونی در زمان انتخابات است. گرچه پس از اعتراض‌های گسترده معلمان، دولت از پس‌گرفتن لایحه عقب‌نشست اما با همکاری مجلس، کابلی آن را از روشش که همانا افزایش حقوق‌ها بود، خالی کرد و البته همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را تاکنون به کل کنار گذاشت! اکنون فرهنگیان و بازنشستگان مانده‌اند با شکاف فزاینده دستمزدهای‌شان با خط فقر و یک زندگی معمولی. دوزدن لایحه و تهی‌کردن آن از افزایش‌های مالی مناسب و البته نگاه‌های پر نیش و کنایه دیگر لایه‌های جامعه‌که آنان را زیاده‌خواه و همیشگی می‌دانند! در جهان پرخبر کنونی، آن هم خبری‌هاست و دروغی که بسیاری از ما توان تشخیص درستی و نادرستی‌شان



را ندانیم، گزارش‌های پرشمار درباره افزایش حقوق فرهنگیان از زبان دولتمردان، نمایندگان مجلس و حتی کاربه‌دستان آموزش و پرورش، فضای مسمومی را علیه فرهنگیان و خواسته‌های آنان پدید آورده است که البته در این زمینه شونده بی‌تقصیر است! هنگامی که رئیس کمیسیون مجلس پیش از تصویب لایحه از افزایش هشت میلیونی حقوق فرهنگیان سخن می‌گوید من کارگر، من کارمند جزء، من کاسب جزئی که همیشه هشتم گروهی نهم‌است و دهه‌ها من دیگر که در ریز فشار حق خود و دانش‌آموزان‌شان نیازمند پشتیبانی یا دست‌کم همدلی جامعه‌اند، به جای حمایت به آنان بگریز!؟ اما همین من‌ها باخبر نمی‌شوند که لایحه پس برچسب زیاده‌خواهی زنیم!

### اتفاق



**ساز**: عبور هواپیماها و پهپادها از ارتفاع دوازده و ۵۰۰ فوتی اقامتگاه اصلی ملکه انگلیسی و خاندان سلطنتی ممنوع می‌شود. اگر هواپیمایی وارد این منطقه ممنوعه شده و به هشدارهای رادیویی پاسخ ندهد، چنگکده‌ها وارد عمل می‌شوند. این کار برای امنیت بیشتر ملکه و خاندان سلطنتی و در حوالی «قلعه ونیزور» که جزء اقامتگاه‌های اصلی الیزابت دوم است، صورت می‌گیرد.

بازداشت محروم بوده است.

### اتفاق



**بی‌بی‌سی**: بسمه بنت سعود، شاهزاده فعال حقوق زنان و از طرفداران پادشاهی مشروطه در عربستان و دخترش که بدون محاکمه به مدت سه سال زندانی بودند، آزاد شدند. بسمه از ماه مارس سال ۲۰۱۹ توسط مقام‌های امنیتی عربستان دستگیر شده بود. بنا بر گزارش‌های سازمان‌های حقوق‌بشری، بسمه بنت سعود از حق درمان در دوران بارداشت محروم بوده است.

بازداشت محروم بوده است.

### تحلیل

## آسمان خراش‌ها برای نابودی باغ گیاه‌شناسی آمده‌اند

● بار دیگر یک پروژه ساخت‌وساز در غرب تهران موجب نگرانی شده است. ماجراهای ساخت‌وسازهای منطقه ۲۲ چند سالی است که محل اعتراض‌های فراوان قرار گرفته؛ اما با وجود اعتراض‌ها، برج‌های متراکم در این منطقه از تهران که زمانی قرار بود منطقه گردشگری شهر باشد، در حال رشد هستند و کسی نمی‌تواند جلوی رشد سریع و سسمی آنها را بگیرد. حالا قرار است سایه سنگین این برج‌ها روی یکی از مهم‌ترین نقاط تهران از نظر تنوع‌زیستی بیفتد؛ باغ گیاه‌شناسی تهران که در منتهی‌الیه غربی تهران یکی از ذخیره‌گاه‌های مهم زیستی ایران است. در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی بخشی از اراضی چیتگر به دلیل دوربودن از شهر و همه تهدیدهایش برای احداث باغ گیاه‌شناسی انتخاب شد. عملیات طراحی و احداث این باغ از سال ۱۳۴۸ توسط کارشناسان ایرانی و با همکاری تعدادی از کارشناسان خارجی آغاز و نقشه جامع باغ طراحی شد تا در این باغ رویشگاه‌های ایرانی و جهانی طراحی شود که نهالستان و گلخانه‌های تکثیر مواد گیاهی مورد نیاز باغ را تأمین می‌کنند؛ اما حالا قرار است در همسایگی شمال باغ، ده‌ها برج چنددهه‌طبقه به عرض یک خیابان فاصله با این باغ ساخته شود. عادل جلیلی، رئیس مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، یکی از چهره‌هایی است که نگران وضعیت این باغ است. او در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه باغ گیاه‌شناسی ملی ایران گنجینه حفاظت از ذخایر ژنتیکی کشور است و گونه‌های گیاهی که در طبیعت در معرض خطر انقراض هستند در آن نگهداری و حفاظت می‌شوند، تأکید کرد: وقتی ساختمان‌های بلند در کنار باغ گیاه‌شناسی قرار می‌گیرند، از نظر محیط‌زیستی منطقه را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین به‌تازگی گروهی از دوست‌داران محیط زیست هم با راه‌اندازی کارزاری از شهرداری تهران درخواست دارند تا با توجه به اهمیت این باغ، به مخاطره جدی باغ ملی گیاه‌شناسی رسیدگی کند. آنها معتقدند ساخت برج‌های بلند در نزدیکی باغ گیاه‌شناسی می‌تواند موجب پایین‌رفتن سطح آب زیرزمینی به دلیل برداشت آب در بالادست باغ و همین‌طور ازبین‌رفتن امکان ذخیره‌سازی آب برای باغ در زمین‌های بالادست شود. همچنین این ساخت‌وسازها با آسکان بعد از آن موجب افزایش وحشتناک آلودگی‌های مختلف مثل هوا و صدا می‌شود که برای موجودات زنده درون باغ بسیار خطرناک است.

### اتفاق



**بی‌بی‌سی**: بسمه بنت سعود، شاهزاده فعال حقوق زنان و از طرفداران پادشاهی مشروطه در عربستان و دخترش که بدون محاکمه به مدت سه سال زندانی بودند، آزاد شدند. بسمه از ماه مارس سال ۲۰۱۹ توسط مقام‌های امنیتی عربستان دستگیر شده بود. بنا بر گزارش‌های سازمان‌های حقوق‌بشری، بسمه بنت سعود از حق درمان در دوران بارداشت محروم بوده است.

بازداشت محروم بوده است.